

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مطالعات قرآنی دوازدهم

دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و حدیث

سال دوم، شماره دوم / بهار و تابستان ۱۳۸۸

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق (ع)

مدیر مسئول: دکتر رضا محمدزاده

سرمدیر: دکتر مهدی ایزدی

مدیر داخلی: محمد جانی پور

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

آذرتاش آذرنوش استاد دانشگاه تهران
مهدی ایزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
محمدباقر باقری کنی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
عبدالکریم بی آزار شیرازی دانشیار دانشگاه الزهراء (س)
احمد پاکتچی استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدباقر حجتی استاد دانشگاه تهران
سید حسن سعادت مصطفوی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید کاظم طباطبایی استاد دانشگاه فرودسی
عباس مصلائی پور یزدی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
سید رضا مؤدب استاد دانشگاه قم

مترجم چکیده‌ها به انگلیسی: دکتر محمود کریمی

مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۱۰ صفحه / ۳۰۰۰۰ ریال

امور علمی و تحریریه: دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

تلفن: ۵-۸۸۰۹۴۰۰۱، داخلی ۳۷۴، شماره: ۸۸۰۸۰۴۲۴

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

امور فنی و توزیع: مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی، اداره نشریات

داخلی ۲۴۵، شماره: ۸۸۵۷۵۰۲۵

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

<http://mag.isu.ac.ir>

E-mail: Quranmag@isu.ac.ir

شیخ طوسی و روش‌های نقد حدیث در تهذیبین

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۷/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۱/۱۵

فتحیه فتاحی زاده*

نجیمه افشاری**

چکیده

روایات معصومان (ع) به عنوان دومین منبع اساسی کشف و تبیین معارف الهی دین اسلام پس از قرآن، در مجموعه‌های روایی برای ما به یادگار مانده و در گذر زمان به دلایل گوناگون این روایات از تحریف و تغییر مصون نمانده است. لذا محققان و دانشوران مسلمان با بهره‌مندی از رهنمودهای قرآن و ارشادهای معصومان (ع) و براهین عقلی و ... در زدودن ابهامات و آسیب شناسی روایات همت گمارده‌اند. شیخ طوسی از جمله محققانی است که در این راه گام برداشته است. وی دو اثر ارزشمند خود؛ یعنی «تهذیب الاحکام» و «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» را به منظور دفاع از کیان مذهب و رفع شبهه تعارض و تخالف میان روایات معصومان (ع) تدوین نمود. وی بدین منظور تلاش نمود تا حد امکان به جمع روایات به ظاهر متعارض بپردازد؛ اما در صورتی که تعارض روایتی با سایر اخبار به گونه‌ای باشد که امکان جمع آن‌ها وجود نداشته باشد، به ضعف روایت از حیث سند و متن پرداخته است. وی در مواردی با بررسی حال راویان و چگونگی طریق به ضعف روایت اشاره کرده و در مواردی متن روایت را به سبب مخالفت با قرآن، سنت و اجماع و گاه به دلیل شذوذ، بی اعتبار دانسته است.

واژگان کلیدی

شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، الاستبصار، نقد حدیث، روش شناسی حدیث

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

N-Afshary@Gmail.com

* دانشیار دانشگاه الزهراء(س)

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س)

طرح مسأله

قرآن و سنت به عنوان دو مصدر اصلی دین در گذر زمان و تا رسیدن به نسل‌های متأخر، سیر و سرگذشتی متفاوت داشته‌اند؛ قرآن به صورت متواتر در میان مسلمانان ماندگار شد؛ اما ماجرا در انتقال سنت به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

از یک سو در موارد متعدد، روایات از آفت تحریف، تصحیف، جعل و ... مصون نمانده است. لذا قبل از هر چیز، خداوند در قرآن کریم، به سنجش و ارزیابی اخبار و تشخیص غث و ثمین مرویات، تشویق و ترغیب نموده است و بارها به صراحت یا اشاره اهمیت دقت نظر در مضامین و مفاهیم اخبار و خطرات ناگوار تسامح و تساهل در این امر را هشدار داده است (حجرات: ۶ - زمر: ۱۸) و این مطلب را نیز بارها متذکر می‌شود که همیشه بیماردلانی در صدد خاموش ساختن پرتو حق هستند تا آنجا که به تحریف کلام خدا و سخنان اولیای الهی می‌پردازند، پس باید به هوش بود و به ارزیابی صحیح و سقیم روایات پرداخت. (یونس: ۵۹ - انعام: ۲۱ - لقمان: ۶ - فتح: ۱۵) پس از قرآن، سنت و حدیث معصومان (ع) بیشترین ارشادها و تأکیدها را در چگونگی اخذ اخبار، حفظ و نقل آنها به دیگران دارد. به پیروی از ائمه (ع) محدثان و دانشوران مسلمان با بهره‌مندی از رهنمودهای قرآن و ارشادهای معصومان (ع) و براهین عقلی و ... در زدودن ابهامات و آسیب شناسی روایات همت گماردند.

از سوی دیگر، به سبب عوامل درونی و بیرونی متعددی، همانند: نسخ، تقیّه، از دست رفتن بسیاری از قرائن کلام معصوم (ع)، وقوع تحریف و تصحیف در متن روایات و ... اخبار متعارضی در این گنجینه گران قدر معارف الهی وارد شده است. از آنجا که فرض تضاد و تناقض در میان سخنان ائمه معصوم (ع) محال و غیر ممکن است. لذا حدیث شناسان همواره می‌کوشند تا با روش‌های مقبول و متعارف، این گونه احادیث را توجیه و عدم تعارض واقعی آنها را آشکار سازند و از این طریق میان آنها جمع و سازش برقرار نمایند و توهم اختلاف و تعارض زایل شود. شیخ طوسی نیز از جمله این افراد است. وی در جوامع روایی خود، تهذیب و استبصار، در صورت تعارض اخبار به ارائه راهکارها در حل تعارض اخبار پرداخته است و در

صورت عدم امکان جمع اخبار متعارض، وجه فساد روایات متعارض را بیان نموده است.

این مقاله در راستای معرفی تلاش‌های شیخ طوسی در زمینه ارزیابی روایات و گردآوری آن‌ها، به گوشه‌هایی از تلاش‌های وی در زمینه نقد و ارزیابی روایات خواهد پرداخت تا میزان توجه وی را به این مباحث آشکار سازد. پیش از ورود به بحث ذکر این نکته ضروری است که درباره این دو کتاب، آثار متعددی، چه به صورت مستقل و چه در کنار دیگر کتب اربعه، به رشته تحریر در آمده است؛ اما اغلب این آثار به معرفی شیخ طوسی و بیان مشخصات کلی تهذیبین اکتفا نموده‌اند و جزئیات محتوایی این دو کتاب، از جمله مبانی نقد حدیث در هیچ کدام بررسی نشده است.

بر این اساس می‌توان گفت: درباره مبانی نقد شیخ طوسی در تهذیبین هیچ اثر مستقلی به صورت جامع، و به خصوص، با این نوع دسته بندی از روش‌های نقد، تدوین نشده است. گفتنی است از آنجا که تهذیبین و به ویژه استبصار به منظور رفع تعارض اخبار تدوین یافته‌اند و بیانات شیخ عمدتاً با هدف رفع تعارض و ارائه راهکارهایی در این زمینه است، این پژوهش با مطالعه روایاتی صورت گرفته است که شیخ، ذیل آن‌ها به نقد و ارزیابی سند یا متن پرداخته و روایت متعارض را فاسد دانسته است و عناوین مذکور در مقاله به عنوان راهکارهای کلی شیخ که هر کدام مصادیق متعددی دارد ارائه گردیده است.

شیخ طوسی و تهذیبین

«تهذیب الأحکام» و «الاستبصار فیما اختلف من الاخبار» از مهم‌ترین و مفصل‌ترین منابع فقهی و دو کتاب از چهار کتاب عمده حدیث و فقه شیعه (کتب اربعه) هستند. مؤلف این دو اثر ارزشمند، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی در سال ۳۸۵ هـ ق در شهر (طوس) خراسان دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان رساند. در سال ۴۰۸ هـ ق به بغداد مهاجرت کرد و مدت پنج سال افتخار شاگردی شیخ مفید را داشت و پس از رحلت شیخ مفید، در سال ۴۱۳ هـ ق، در محضر درس سید مرتضی حاضر گردید. در همین زمان از محضر مشایخ دیگر مانند:

حسین بن عبید الله غضایری، ابن جنید اسکافی و احمد بن محمد بن موسی معروف به ابی الصلت اهوازی نیز کسب فیض نمود.

شیخ طوسی در دوران جوانی به درجه اجتهاد رسید و در اندک زمان، به یکی از ارکان حوزه درسی شهر بغداد تبدیل شد. در این هنگام، شمار فراوانی از فقها و مجتهدین و علمای شیعه و اهل سنت، قصد بغداد را می نمودند تا افتخار مجالست و شاگردی او را دریابند. او در سال ۴۴۸ هـ ق بغداد را ترک گفت و در نجف رحل اقامت افکند و حوزه علمیه نجف را بنیان نهاد. شیخ در سال ۴۶۰ هـ ق در نجف درگذشت. (برگرفته شده است از: امین، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۴۰۰-۴۰۳؛ مدرس تبریزی، ۱۳۴۹، ج ۳، ص ۳۲۵؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۲۱۶؛ زرکلی، ۱۹۹۹، ج ۶، ص ۸۴ و ۸۵؛ حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸؛ اردبیلی غروی حائری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۵؛ شوشتری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸۰ و ۴۸۱؛ طهرانی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴؛ طباطبایی بحر العلوم، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۲۷-۲۴۰؛ حلی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۶).

شیخ طوسی در موضوعات گوناگونی چون: حدیث و اخبار؛ رجال، تراجم و فهرست؛ تفسیر؛ فقه؛ اصول؛ کلام؛ ادعیه و اعمال؛ تاریخ و مقتل و ... کتب مختلف و متعددی را تألیف کرده است. (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۱، ص ۱۸۹). شیخ در این کتاب به چهل و یک اثر از آثار خود اشاره کرده است تهذیب و استبصار از آثار حدیثی شیخ و در شمار معتبرترین مجموعه‌های روایی شیعه هستند.

شیخ در آغاز ورود به بغداد کتاب تهذیب را به منظور دفاع از کیان مذهب و دفع شبهه تخالف و تعارض میان روایات، نوشت. (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲ مقدمه مؤلف؛ امین، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۴۰۵) و از آنجا که طی جمع‌آوری آن به تعارض و تنافی ظواهر برخی اخبار برخورد کرد، به فکر تألیف کتاب جداگانه‌ای که جامع این دسته از احادیث باشد، افتاد و کتاب استبصار را تألیف و با اصول علمی به جمع مضامین و توفیق اخبار اهتمام کرد. (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶ و ۵)

۱. گونه‌های نقد حدیث در تهذیبین

با توجه به انگیزه نگارش شیخ طوسی، بخش عمده‌ای از تهذیب و استبصار را بررسی احادیث به ظاهر متعارض تشکیل می‌دهد و تقریباً در تمام دو کتاب، جز بخش بزرگی از مجلد ششم تهذیب، این شیوه نقل روایات دیده می‌شود. شیخ در این دو کتاب بر اساس برخی مبادی کلامی، از جمله تناقض نداشتن سخن امامان علیهم السلام به دلیل عصمت آنان و ظهور کلام ایشان از یک منشأ واحد. (برای مثال ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۶۲؛ ج ۴۰، ص ۳۴۷، ح ۲۸) و همچنین عدم مخالفت حدیث ایشان با قرآن و نیز، قاعده اصولی مقدم بودن جمع عرفی میان احادیث به ظاهر متعارض بر کنار گذاردن برخی از آنها «إن الجمع مهما أمکن اولی من الطرح» (ر.ک: خراسانی، ۱۴۲۴، ص ۵۰۱؛ مظفر، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۹۶؛ مغنیه، ۱۴۰۸، ص ۴۳۴؛ خمینی موسوی، ۱۳۷۷، ص ۱۷) کوشیده تا از راه جمع عرفی، مشکل تعارض را برطرف سازد. با این همه شیخ طوسی در بسیاری موارد، به وجه فساد احادیث معارض اشاره نموده و آنها را ضعیف و بی اعتبار دانسته و تعارض را از این راه بر طرف کرده است. و این مطلبی است که خود شیخ در مقدمه‌ی تهذیب بدان اشاره می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲) گفتنی است اشاره به وجه فساد روایت معارض از سوی شیخ طوسی تنها در صورتی است که روایت، مخالف با روایت صحیح باشد و این تعارض به حلّی برسد که جمع بین دو روایت ممکن نگردد. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲) مهمترین عوامل ضعف و بی اعتباری احادیث متعارض از دیدگاه شیخ طوسی، گاه متعلق به سند روایت است و گاه به متن ارتباط دارد. از این روش‌های وی را در نقد روایات تهذیبین می‌توان در دو عنوان «نقد سند» و «نقد متن» مطرح نمود.

۱-۱. نقد سند

نقد سند، بررسی کیفیت سند است؛ خواه از جهت اتصال و انقطاع باشد، خواه از جهت وثاقت یا عدم وثاقت راویان آن. در نقد سندی، اسناد قول به معصوم (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا با توجه به کیفیت سند و راویان آن می‌توان به صحّت سند و صدور آن از معصوم (ع) مطمئن شد یا نه. (برگرفته از: دمینی، ۱۴۰۴، ص ۴۹-۵۰؛ ادلّبی،

۱۴۰۳، ص ۹ و ۳۱-۳۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۷۸؛ سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱؛ معماری، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

رویکرد شیخ طوسی را در سند شناسی یا نقد سندی روایات تهذیبین، می توان در دو عنوان بررسی حال راویان و بررسی چگونگی طریق، خلاصه نمود؛ چرا که شیخ گاه با توجه به حال راوی به ضعف سند اشاره نموده است و گاه این ضعف را با توجه به چگونگی سند عنوان می کند.

۱-۱-۱. بررسی حال راویان

شیخ طوسی در بررسی حال راویان به دو گونه عمل کرده است:

۱-۱-۱-۱. در ذیل پاره‌ای از روایات با اشاره به ضعف راویان و عدم وثاقت ایشان، به بی اعتباری روایت اشاره می کند. برای نمونه در باب ارث در روایتی از عبدالله بن محمد بن عقیل به نقل از امام صادق (ع) آمده است که ارث فرد ابتدا صرف فرائض فرد [مانند ادای دین] می شود و باقیمانده آن به فرزند پسر می رسد. شیخ تنها راوی این روایت، یعنی عبدالله بن محمد بن عقیل را ضعیف می خواند و معتقد است که به روایت او اعتماد نمی شود. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۲۶۲، باب ۲۱، ح ۱۴)

در ذیل روایتی منفرد از ابو خدیجه که در آن جواز اعطای زکات به سادات به نقل از امام صادق (ع) آمده است، به ضعف ابو خدیجه نزد اصحاب اشاره می کند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶، باب ۱۷، ح ۵)

علی بن حدید از دیگر راویانی است که شیخ او را ضعیف دانسته (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶، باب ۲۶، ح ۷) و عمران زعفرانی را نیز مجهول خوانده است. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۶، باب ۳۶، ح ۲)

۱-۱-۱-۲. شیخ، در مواردی در بررسی حال راویان، به مذهب ایشان توجه دارد و در صورتی که راوی روایتی از فرق شیعی یا از مذاهب غیر شیعی و مخالف باشد و روایت او در تعارض با روایات امامیه قرار گیرد به گونه‌ای که امکان جمع آن با سایر روایات وجود نداشته باشد، به فساد روایت حکم می کند. لذا در روایتی از عمار

ساباطی به نقل از امام صادق (ع) درباره نهی از معامله طلا به نقره به صورت نسبه که در تعارض با روایاتی است که چنین بیعی را جایز می‌دانند، می‌نویسد:

«این روایات از عمارساباطی فطحی است. عده‌ای از علمای رجال او را تضعیف کرده و گفته‌اند چون فطحی فاسد المذهب به شمار می‌آید، اگر جایی منفرداً حدیثی نقل کرد، بدان عمل نمی‌شود؛ در صورتی که ما این روش را قبول نداریم بلکه چون ثقه است، روایاتش را می‌پذیریم.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۰۱، باب ۹۱، ح ۴۱ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۹۵، باب ۶۲، ح ۹)

شیخ در باب احکام چاه روایتی را منفرداً از حسن بن صالح آورده و حدیث را مردود دانسته چون حسن بن صالح، زیدی به شمار می‌آید و خبر مخالف غیر ثقه در صورتی که راوی دیگری آن را نقل نکرده باشد، متروک است. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰۸، باب ۲۱، ح ۱؛ و ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۳، باب ۱۷، ح ۹)

محمد بن احمد بن یحیی از ابی جعفر از ابی الجوزاء از حسین بن علوان از عمرو بن خالد از زید بن علی از پدرش و او به نقل از پدرانش روایت می‌کند که پیامبر (ص) اگر شهید را در همان روز شهادت و یا فردای آن روز دفن می‌کرد، غسل نمی‌داد و آن‌ها را در لباسشان دفن می‌کرد ولی اگر چند روز می‌گذشت، او را غسل می‌داد. شیخ این روایت را ضعیف دانسته و تمام رجال آن را زیدی می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۶۸، باب ۷۸، ح ۷)

در روایتی دیگر در همین رابطه که در سند آن راویانی چون محمد بن احمد بن یحیی، هارون بن مسلم، مسعده بن صدقه، غدی بن حاتم و ... قرار دارد، آن را ضعیف الاسناد خوانده و راویان آن را رجال عامی می‌داند و می‌افزاید: روایتی که چنین خصوصیتی دارد، عمل به آن واجب نیست. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۶۸، باب ۷۸، ح ۸)

در روایتی از وهب بن وهب به نقل از امام صادق (ع) آمده است که نقش خاتم پیامبر (ص)، «الله العزهی جمیعاً» و نقش خاتم حضرت علی (ع)، «الملک لله» بود و هر دو انگشتر خود را در دست چپ می‌کردند. شیخ ذیل این روایت می‌نویسد: «راوی این روایت وهب بن وهب است و او عامی، ضعیف و متروک الحدیث است.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲، باب ۳، ح ۲۲؛ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۸، باب ۲۷، ح ۲)

و در ذیل روایتی دیگر از وهب بن وهب، در باب حرمت شیر دوشیده شده گوسفندی که قربانی می‌شود، با عبارت «وهب بن وهب نزد اصحاب حدیث بسیار ضعیف است» به بی اعتباری روایت اشاره می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۷۷، باب ۲، ح ۶۰؛ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۰، باب ۵۴، ح ۳) وی ذیل روایتی از احمد بن هلال به نقل از امام موسی کاظم (ع) که در آن مدت زمان عده وفات برای زن چهل و پنج روز ذکر شده است، احمد بن هلال را به سبب شهرت به غلو ضعیف می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۷۳، باب ۱۳۸، ح ۷) و ذیل روایتی دیگر از او در باب جواز شهادت زن بر وصیت، بدون وجود شاهدی دیگر، وی را فاسد المذهب می‌خواند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۹، باب ۱۷، ح ۲۲)

۱-۲-۱. بررسی چگونگی طریق

بررسی چگونگی طریق را می‌توان از حیث توجه به اتصال و انقطاع سند و نیز تعداد راویان در چند عنوان مطرح نمود:

۱-۲-۱-۱. توجه به روایات موقوف و مضمّر: موقوف، حدیثی است که از صحابه معصوم (ع) اعم از صحابه رسول (ص) یا از صحابه امامان معصوم (ع) نقل شود، بدون این که حدیث به معصوم (ع) نسبت داده شود؛ چه سلسله حدیث قبل از صحابی، از اتصال سند برخوردار باشد یا منقطع شده باشد. (مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۳۲)

شیخ طوسی، خبر موقوف را نپذیرفته به این دلیل که ممکن است صحابی اشتباه کرده باشد. مثلاً روایت محمد بن عیسی از یونس بن عبدالرحمن در مورد ارث زنزاده را آورده و ذیل آن می‌نویسد: «این روایت، موقوف است و یونس بن عبدالرحمن به هیچ یک از ائمه (ع) اسناد نداده و چه بسا این گفته، روایت نباشد، بلکه اظهار نظر شخصی یونس باشد و با این احتمال نمی‌توان روایات بسیاری را که در تعارض با این روایت وارد شده کنار گذاشت.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۳۴۴، باب ۳۳، ح ۲۲؛ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۸۳، باب ۱۰۵، ح ۵).

وی در نقد روایت ابن به کیر از عبدالاعلی درباره افطار کردن روزه در صورت سفر حتی اندکی پیش از غروب، چنین می‌نویسد: «حدیث، موقوف و مستند به معصوم نیست و به خاطر خبری با این وصف، نمی‌توان از اخبار مسند دست کشید و باید اخبار مسند را بر چنین خبری مقدم دانست.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۱۶، باب ۲۶، ح ۹۲)

او روایت عبدالله بن سنان را نیز در باب نیاز زن به محلل بعد از طلاق سوّم، به منظور نکاح با همسر نخست، موقوف و غیر مسند به ائمه (ع) می‌خواند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۳۰، باب ۳، ح ۹)

در ذیل روایت حسن بن محبوب درباره نیابت در حج نیز چنین اظهار نظری دیده می‌شود. (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۱۶، باب ۲۶، ح ۹۲ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۲۳، باب ۲۲۱، ح ۲)

اما در تعریف خبر مضمّر آمده، حدیثی است که در پایان سند، راوی، نام امامی را که از وی نقل حدیث نموده، ذکر نکند و با ضمیر به او اشاره یا از او نقل حدیث کند مانند: «سألته»، «سمعته یقول»، «عنه» و ... (شیخ بهایی، ۱۳۹۶، ص ۴؛ مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۳۲)

شیخ طوسی به خبر مضمّر نیز احتجاج نکرده و می‌گوید: چون صدورش از معصوم معلوم نیست، نمی‌توان بدان استناد کرد. مثلاً سؤال محمد بن اسحاق بن عمار را درباره جواز نکاح با مادر زن در صورت مباشرت و عدم مباشرت با همسر، آورده که می‌گوید: «قلت له»، و مشخص نمی‌کند که سؤال شونده کیست و در قالب ضمیر "له" آورده شده است. شیخ ذیل این حدیث می‌نویسد: «چون طرف سؤال معلوم نیست معصوم است یا غیر معصوم، در این صورت نمی‌توان بر طبق آنمشی کرد و بدان احتجاج نمود.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۲۷۵، باب ۳۵، ح ۶)

وی درباره مضمّر سماعه نیز که در آن با عبارت «سألته» و بدون مشخص کردن طرف سؤال، به بیان پرسش خود در باب بطلان وضو در صورت سرودن شعر می‌پردازد، چنین اظهار نظری دارد. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶، باب ۱، ح ۳۵)

۱-۲-۲- توجه به اتصال و انقطاع سند: حدیث مرسل و منقطع^۱، به معنای اعم، احادیثی را گویند که سلسله سند آنها به معصوم (ع) متصل نمی‌شود. (ر.ک: مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۳۰ و ۳۳۸؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۶، ص ۴) شیخ طوسی، ارسال و انقطاع حدیث را در مواردی که موجب ضعف و بی اعتباری حدیث می‌شود، تصریح می‌کند. برای نمونه، درباره مستحب بودن غسل میت، پس از نقل روایتی از ابن ابی نجران، می‌نویسد: «این خبر مرسل است زیرا ابن ابی نجران تعبیر عن رجل را آورده و نام مروی عنه را تصریح نکرده، چه بسا آن شخص، ثقه نبوده و نتوان به گفته او اعتماد کرد.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۰۹، باب ۵، ح ۱۷)

شیخ دو روایت از جعفر بن بشیر نقل کرده است. در این روایات به سؤال جعفر در باب تیمم فرد جنب اشاره شده است که آیا می‌تواند به سبب مضر بودن آب برای او یا عدم دسترسی به آب تیمم کند؟ نماز او چه حکمی دارد؟ پاسخ داده شده به او دال بر وجوب اعاده نماز بعد از یافتن آب یا ایمن شدن از ضرر آن، است.

اظهار نظر وی درباره هر یک چنین است: «این روایات، مرسل و منقطع السند هستند زیرا جعفر بن بشیر در روایت اول، تعبیر «عمن رواه» آورده که مجهول است و باید طرد شود و در روایت دوم، به صورت مردد «عن عبدالله بن سنان او غیره» گفته و طبق چنین روایاتی نمی‌توان عمل نمود.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۶، باب ۸، ح ۴۱ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۲، باب ۹۶، ح ۵)

درباره عدم بطلان روزه زن و عدم نیاز او به غسل در صورت مباشرت شوهر از پشت، روایتی از علی بن حکم به نقل از امام صادق (ع) با واسطه «عن رجل» وارد شده است که شیخ طوسی آن را مقطوع الاسناد و غیر قابل اعتماد می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۱۹، باب ۷۲، ح ۴۵)

وی روایت دیگری را که در همین رابطه به نقل از حفص بن سوقه «عمن اخبره» از امام صادق (ع) نقل و آن را مرسل و مقطوع می‌خواند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۲، باب ۶۶، ح ۴)

مشابه اظهار نظر مذکور را ذیل روایت علی بن اسماعیل از یکی از اهالی شام از امام رضا (ع) در باب محرمیت رضاعی نیز می‌توان ملاحظه نمود. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۰۲، باب ۱۲۶، ح ۱۲ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۳۲۶، باب ۲۷، ح ۴۹)

۱-۲-۳. **طرد حدیث مضطرب السند:** به حدیثی که از لحاظ سند، مختلف نقل شده و به وثاقت سلسله سند، خدشه وارد نموده است، مضطرب سندی گفته می‌شود. (مدیر شانه چی، بی تا، ص ۸۶) شیخ طوسی روایت مضطرب را نپذیرفته و به آن استناد ننموده است. مثلاً در باب نکاح، دو روایت از جمیل و حماد بن عثمان درباره جواز ازدواج با مادر زن پیش از مباشرت با همسر، نقل و هر دو را مردود دانسته و درباره هر یک می‌نویسد: «اما حدیث اول، مضطرب الاسناد است؛ زیرا جمیل و حماد بن عثمان یک بار روایت را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل می‌کنند و بار دیگر به واسطه حلبی از آن حضرت روایت می‌کنند. در مورد روایت دوم، جمیل به صورت مرسل روایت را «عن بعض اصحابه عن احدهما» نقل می‌کند و این اضطراب در سند، موجب ضعف حدیث شده و به چنین حدیثی نمی‌توان تمسک کرد.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۲۷۵، باب ۲۵، ح ۵ و ۴)

وی در باب سی روز و سی شب بودن ماه رمضان و عدم نقصان آن، چهار روایت از حذیفه بن منصور نقل می‌کند و سپس می‌نویسد: «... این حدیث مختلف اللفاظ و مضطرب المعانی است، چرا که حذیفه یک‌بار آن را با واسطه معاذ بن کثیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند و یک‌بار آن را بدون واسطه از امام می‌آورد و بار دیگر، حدیث را از سوی خودش و بدون اسناد به احدی، روایت می‌کند.» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲، باب ۷، ح ۱۳، ۱۵، ۱۶ و ۱۷)

۲-۱. نقد متن

نقد متن، بررسی و ارزیابی کلمات و جملات حدیث است که به نقل از راویان حاکی از سنت معصوم (ع) می‌باشد. در این روش، فارغ از نقد اسناد و جدای از آن، برای اثبات صحّت یا عدم صحّت انتساب حدیث به معصوم (ع)، بررسی حجّیت و عدم

حجیت آن و نیز بررسی و کشف مفهوم واقعی حدیث و مراد معصوم (ع) از آن، به ارزیابی متون و نصوص روایی پرداخته می‌شود. (معماری، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

شیخ طوسی در زمینه نقد محتوا می‌گوید: «قرائنی که بر درستی مفاد و مضمون خبر دلالت دارد و به مرتبه علم نمی‌رسد، چهار تاست: ۱. موافق دلیل عقلی باشد؛ ۲. مطابق نص قرآن یا عموم و خصوص آن و یا مفهوم آن باشد؛ ۳. موافق با سنت قطعی باشد؛ ۴. موافق با مسلمات امامیه باشد.» (طوسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۷۶-۳۷۱)

نقد متون روایات تهذیبین، از طریق معیارهای عرضه از جمله عرضه بر قرآن، سنت قطعی و اجماع صورت گرفته است و عقل به عنوان نیروی مجرد و مستقل در تمام معیارهای نقد متن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، خواسته یا ناخواسته کاربرد دارد. چرا که در بحث عرضه بر قرآن، سنت و اجماع نیز، این عقل است که مخالفت یا عدم مخالفت را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، تمام ملاک‌های نقد به عقل باز می‌گردد و تمام مراحل نقد و معیارهای آن را باید مبتنی بر عقل دانست. توجه شیخ به روایات شاذ، معیار دیگر وی در نقد روایات به شمار می‌آید.

۱-۲-۱. معیارهای عرضه

۱-۱-۲-۱. عرضه بر قرآن

قرآن کریم، به عنوان اولین منبع شناخت دین، به صورت متواتر برای ما نقل شده است. لذا از لحاظ صدور و دلالت قطعی بوده و در قبول احکام و تشریحات آن اختلافی وجود ندارد. از این رو است که قرآن اولین مرجع در تشخیص صحت و سقم روایات به شمار می‌آید و جایگاهی بی‌بدیل در میان معیارهای نقد متن دارد.^۲

در این عرضه یادآوری دو نکته ضروری است: اول؛ مراد از عرضه در اینجا، عدم وجود مخالفت است و نه احراز موافقت؛ همچنان که نباید این مخالفت، از نوع مخالفت بین عام و خاص یا مطلق و مقید باشد، چرا که در مباحث فقهی وجود چنین مخالفت‌هایی امری رایج است. (سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۵۴)

دوم: مراد از قرآن، روح کلی قرآن و اصول و قواعد کلی مستنبط از آن است، نه صرفاً نصّ قرآن و مفهوم و منطوق آیات. (هاشمی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۳۳-۳۳۴؛ قطیفی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲)

دلیل آن است که اگر مراد از عرضه، احراز موافقت با قرآن باشد، و مراد از قرآن، نص آیات؛ در این صورت دامنه روایات قابل قبول محدود می‌شود؛ زیرا قرآن متکفل بیان جزئیات نیست و روایات زیادی وجود دارد که در قرآن از محتوای آن‌ها سخن به میان نیامده است.

از نمونه‌های موجود در تهذیبین، به نظر می‌رسد شیخ طوسی در مقام عرضه روایات بر قرآن، روایت را به علت مخالفت با قرآن، به نقد می‌کشد و در مقام عرضه به روح کلی قرآن و یا نصّ آیات نیز متفاوت عمل کرده است؛ در مواردی که روایت را به طور مشخص با آیه‌ای معارض دیده است به آیه اشاره نموده و در موارد دیگر که روایت با مجموعه آیات در تعارض بوده است، مخالفت را به صورت کلی مطرح نموده است.

وی روایت حسین بن ابی العلاء را که در باب مسح جلو و پشت سر به هنگام وضو سخن می‌گوید، منافی با قرآن می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۲، باب ۴، ح ۱۹) در همین رابطه روایت علی بن رثاب از امام صادق (ع) نیز که در آن گوش جزء سر دانسته شده و به مسح آن به هنگام وضو اشاره شده است، منافی با قرآن خوانده شده است. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴، باب ۳۶، ح ۲)

درباره وصیت، روایتی از علی بن حمزه از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است. در این روایت این مطلب عنوان شده است که اگر فردی بمیرد و مالی از خود به جای بگذارد و دینی داشته باشد، چنانچه فرزندان نیاز داشته باشند، مال به فرزندان می‌رسد. شیخ ذیل این روایت می‌نویسد: «این خبر علاوه بر انقطاع سند، مخالف با ظاهر قرآن است، چرا که خداوند می‌فرماید: (مَنْ بَعَدَ وَصِيهِ يُوَصِّي بِهَا أَوْ دِينٍ) (نساء: ۱۱) و با این بیان، صحت ارث فرزندان را مشروط به این می‌داند که موجب از بین رفتن دین یا وصیت فرد نشود و بر این مطلب تأکید می‌کند.» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۱۶، باب ۷۰، ح ۳)

قاسم بن سلیمان در روایتی از امام صادق (ع) درباره حکم افترای بنده بر آزاد سؤال می‌کند و حضرت حکم او را چهل تازیانه می‌داند و در صورت اتیان فاحشه حکم به نصف این حد می‌کند. شیخ در نقد این روایت پس از اشاره به شذوذ آن می‌نویسد: «این خبر با ظاهر قرآن و اخبار بسیار دیگری که نقل نمودیم، مخالفت دارد و بر اساس آن عمل نمی‌شود. مخالفت این روایت با قرآن از آن روست که خداوند می‌فرماید: «و الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... فَأَجْلِدُوهُنَّ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور: ۴). این آیه عام و درباره هر تهمت زنده‌ای است، برده یا آزاد. از سوی دیگر آیه «فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ» (نساء: ۲۵) مخصوص و محدود بر زناکار است.» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۲۹، باب ۱۳۱، ح ۹ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۷۳، باب ۶، ح ۴۳)

در کنار روایاتی که شیخ طوسی با عرضه‌ی آن‌ها بر قرآن، به ضعف و بی اعتباری آن‌ها اشاره نموده است؛ روایاتی نیز وجود دارد که شیخ، به موافقت آن‌ها با قرآن اشاره می‌کند و قرآن را مؤید آن‌ها می‌خواند. برای نمونه وی روایتی از ابوبصیر به نقل از امام صادق (ع) می‌آورد که در آن عده زن یائسه و دختری که به سن عادت نرسیده، سه ماه ذکر شده است.

شیخ با عرضه روایت بر قرآن، ذیل روایت می‌نویسد: «این روایت مطابق با قرآن است، آنجا که می‌فرماید: «و اللَّائِي يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتِمْتُمْ فَعَدُّنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ اللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ...» (طلاق: ۴). (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۱۳۸، باب ۶، ح ۸ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۸، باب ۱۹۶، ح ۴)

درباره روایت محمد بن مسلم از یکی از صادقین نیز، همین اظهار نظر مشاهده می‌شود. جایی که لعان را مربوط به نفی ولد و همچنین تهمت مرد به زن می‌داند و آن را منحصر و مشروط به نفی ولد نمی‌کند.

شیخ آیه: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ...» (نور: ۶) را مؤید این روایت می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۱۸۶، باب ۸ ح ۵ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۱، باب ۲۱۶، ح ۴)

۱-۲-۱. عرضه بر سنت

روایات، معیار دیگری در سنجش حدیث تلقی می‌شوند. اما این بدان معنا نیست که هر حدیثی می‌تواند معیار سنجش قرار گیرد، بلکه در این تعارض تنها روایاتی می‌توانند مبنای بررسی صحت و سقم روایات و معیار بازشناسی قرار گیرند که به دلیل تواتر، تعدد طرق و یا وجود قرائن قطعی از قرآن، عقل و ... در نسبت دادن آن‌ها به معصوم (ع) نوعی اطمینان وجود داشته باشد. به بیان دیگر، قطعی بودن صدور روایت از معصوم (ع) مشخصه روایات معیار است. (نفیسی، ۱۳۸۴، ص ۴۹۹)

شیخ طوسی نیز در مواردی به معیار روایات، به سنجش روایات می‌پردازد. در باب شهادت نصرانی، روایتی از جمیل به نقل از امام صادق (ع) وارد شده است که در آن حضرت به عدم جواز شهادت نصرانی اشاره می‌کند که بعد از شهادت دادن، اسلام می‌آورد.

شیخ ضمن اشاره به شدوذ این روایت می‌نویسد: «این روایت مخالف با اخبار بسیار دیگری است که نقل کردیم.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۵۴، باب ۹۱، ح ۶۶ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۹، باب ۱۳، ح ۵)

عمار بن موسی روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در آن حضرت به نجاست آهن اشاره می‌کند و آن را لباس اهل آتش می‌داند. از این رو به فردی که ناخن یا موی خود را با آهن کوتاه می‌کند و بدون شستن آن نماز می‌خواند، حکم به اعاده می‌کند.

شیخ طوسی این روایت را نیز با اخبار بسیار دیگری که در این زمینه وارد شده است مخالف و غیر قابل عمل می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۶، باب ۵۷، ح ۵) در باب رضاع، روایتی از علاء بن رزین از امام صادق (ع) نقل شده است که حرمت از راه رضاع را خوردن شیر از یک سینه و به مدت یک سال می‌داند.

شیخ در نقد این روایت چنین می‌نویسد: «این روایت نادر است و با تمام احادیث مخالف دارد.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص ۳۱۹، باب ۳، ح ۵۸)

در روایتی از عمار ساباطی به نقل از امام صادق (ع) آمده است که اگر نماز مغرب شخصی فوت شد و وقت نماز عشاء رسید و به یاد آورد که نماز مغرب را نخوانده

است، اگر خواست می‌تواند ابتدا فضای مغرب را بخواند یا اول نماز عشا را اقامه نماید و بعد نماز مغرب را قضا کند.

اظهار نظر شیخ درباره این روایت چنین است: «این خبر شاذ و مخالف با تمامی اخبار است و ما بر اساس سایر روایات عمل می‌کنیم؛ زیرا اگر وقت زیاد باشد، شایسته است که فرد ابتدا نماز قضا را بخواند و در صورت تنگی وقت، از نماز حاضر شروع می‌کند و در اینجا مجالی برای تخییر و انتخاب نیست.» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۱۵۷، ح ۶)

۱-۲-۳. عرضه بر اجماع

اهل سنت، اجماع را به عنوان دلیلی مستقل در کنار قرآن، سنت و عقل پذیرفته‌اند و آن را از مصادر تشریح می‌دانند؛ اما اغلب علمای شیعه، اجماع را تنها در صورتی حجت می‌دانند که کاشف از قول معصوم (ع) باشد. (مظفر، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۰۲؛ الإصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲؛ خویی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۹۷؛ هاشمی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۴۳)

اگر شیعه اجماع را به عنوان یکی از ادله‌ی شرعی مطرح می‌کند، نه به دلیل پذیرش آن به عنوان دلیلی مستقل، که برای مماشات و همراهی و عدم مخالفت با عامه است و در حقیقت این امر موافقت اجمالی شیعه را با اهل تسنن نشان می‌دهد. (بروجردی، ۱۴۱۰، ص ۵۲۹)

شیخ طوسی پاره‌ای از روایات را با عرضه بر اجماع مورد نقد قرار داده و روایاتی را به سبب مخالفت با اجماع و یا اجماع بر عمل بر خلاف مضمون آن روایت، کنار گذاشته است. برای نمونه، روایتی را در باب هشت روز بودن حداکثر ایام عادت، از عبدالله بن سنان به نقل از امام صادق (ع) می‌آورد و ذیل آن می‌نویسد: «این خبر شاذ است و طائفه بر خلاف آنچه در این حدیث در رابطه با هشت روز بودن حداکثر مدت زمان عادت آمده است، اجماع نموده‌اند و آنچه در این روایت آمده را کسی از اصحاب ما معتبر نمی‌داند...» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۷، باب ۷، ح ۲۲)

در روایاتی آمده است که عمو و دایی و فرزندان آن‌ها، در صورت وجود برادر و اجداد، ارث نمی‌برند. در روایتی معارض از ابوبصیر از امام صادق (ع) برای این دایی

در صورت وجود جلد سهم الأثر مشخص شده و در صورت وجود دایی و جلد، تقسیم مال را در میان هر دوی آنها لازم می‌داند....

شیخ طوسی در ذیل این روایت می‌آورد: «این روایت ضعیف و مخالف با مذهب و اجماع طائفه است؛ چرا که خویشاوند نزدیک (اقرب) اولی بر خویشاوند دور (ابعد) است. لذا جلد بر دایی اولی است...». (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۳۹۳، باب ۴۶، ح ۹ نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۴، باب ۹۷، ح ۱۶)

بر اساس روایات از آنجا که جلد و برادر از لحاظ ارث بردن در یک طبقه (درجه) قرار دارند، ارث به صورت یکسان میان آنها تقسیم می‌شود. این در حالی است که برید در روایتی متعارض از امام صادق (ع) نقل می‌کند که جلد به منزله‌ی پدر است و با وجود او، برادر ارث نمی‌برد. شیخ طوسی این روایت را خلاف اجماع طائفه می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۵۸، باب ۹۵، ح ۱۶)

در همین رابطه، شیخ طوسی روایت فضیل بن یسار و ابوبصیر را نیز که برای برادر و جلد در صورت وجود فرزند و نوه سهم الارث مشخص نموده‌اند، نقد می‌کند و می‌نویسد: «اصحاب بر عدم عمل به مضمون این دو خیر اجماع کرده‌اند.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۳۱۵، باب ۲۹، ح ۴۸ و ۴۹)

همین اظهار نظر درباره روایت عمار ساباطی درباره قرائت نماز احتیاط در صورت شک در نماز صبح نیز مشاهده می‌شود. (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۶۷، باب ۲۱۴، ح ۸) در بحث عرضه بر اجماع نیز نمونه‌هایی وجود دارد که شیخ، اجماع را مؤیدی برای روایت ذکر کرده است. برای نمونه، روایت ابوبصیر از امام باقر (ع) را که به حلیت متعه و آمدن حکم آن در قرآن اشاره می‌کند، موافق با قرآن و اجماع امامیه خوانده است. (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۴۲، باب ۹۲، ح ۵)

۱-۲-۲. دقت در روایات شاذ

شاذ به حدیثی گفته می‌شود که به نقل ثقه تفرد داشته باشد، در حالی که مخالف با روایت دیگری باشد که فرد موثق‌تری یا جمعی از ثقات آن را نقل کنند. (ر.ک: مامقانی،

۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۵۲؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۵؛ صبحی صالح، ۱۹۵۹، ص ۱۹۶؛ طحان، ۱۴۲۴، ص ۹۷؛ معروف الحسنی، بی تا، ص ۴۹)

شیخ طوسی در تهذیبین، در صورتی که مخالفت خبر شاذ با روایات صحیح تر یا ظاهر کتاب و ... به گونه‌ای باشد که جمع میان آن‌ها را ناممکن سازد، در این صورت به طرح و کنار گذاشتن خبر شاذ رأی داده است. تصریح به شذوذ روایت در مواضع متعددی از تهذیبین قابل مشاهده است که برای نمونه می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود.

شیخ درباره صحت وضو با گلاب، روایتی از محمد بن سنان از امام موسی کاظم (ع) نقل می‌کند و می‌نویسد: «این خبر شاذ است گرچه در کتب و اصول مکرر آمده است؛ چرا که اصل آن یونس از ابوالحسن است و کسی غیر او این مطلب را روایت نکرده است و اصحاب بر ترک عمل به این روایت اجماع نموده‌اند.» (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵، باب ۵، ح ۲)

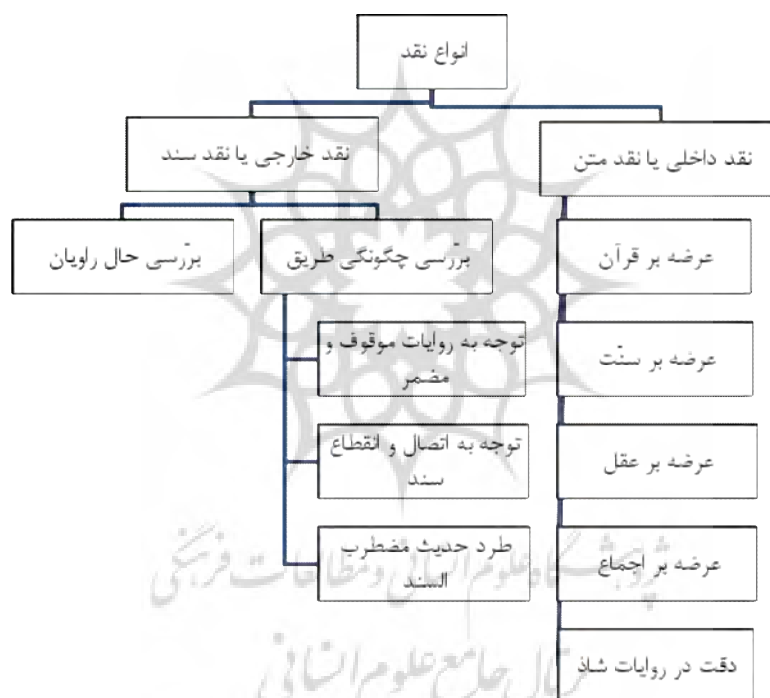
در مورد حکم زنی که مردی را به قتل رسانده، روایتی از ابو مریم انصاری آورده که در آن، به قصاص زن و پرداخت بقیه دیه مرد توسط خانواده زن اشاره شده است. شیخ می‌گوید: «این روایت، شاذ است و با وجود این که در کتاب‌های حدیثی تکرار شده، اما فقط ابو مریم انصاری آن را روایت کرده است. این روایت مخالف ظاهر قرآن است آنجا که خداوند می‌فرماید: «كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» (مائده: ۴۵) با این بیان خداوند در مقابل قتل نفس، قصاص نفس قرار داده و چیزی بدان اضافه نکرده است. افزون بر این، روایت با سایر اخبار نیز در تعارض است زیرا در هیچ یک از آن‌ها در کنار قصاص زن، برای والدین وی وظیفه‌ای قرار نداده است. لذا چنین حدیثی مطمئن نیست و نمی‌توان بر طبق آن عمل کرد.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۳، باب ۷۱۷، ح ۱۴ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۶۷، باب ۱۵۵، ح ۵)

وی در نقد روایت عبدالرحمان بن العززی نیز که در آن به قرائت نماز بدون طهارت توسط حضرت علی (ع) اشاره شده است، می‌نویسد: «این خبر شاذ و مخالف با تمامی اخبار است و عمل بدان جایز نیست؛ زیرا دلیل بطلان این روایت در خود آن نهفته است و آن این که حضرت علی نماز خود را، به دلیل فراموشی، بدون طهارت

قرائت کردند اما عصمت حضرت بر خلاف این امر دلالت دارد.» (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۰، باب ۳، ح ۵۲ و نیز ر.ک: طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۳۴، باب ۲۶۴، ح ۵)

نتیجه‌گیری

آنچه گذشت خلاصه‌ای از مهم‌ترین مباحث مطرح در نقد سند و متن روایات تهذیبین بود که در یک نگاه کلی می‌توان خلاصه‌ای از آن را در نمودار زیر ارائه داد.



یادداشت‌ها

۱ نزد بسیاری از محدثان حدیث منقطع با حدیث مقطوع یکسان دانسته شده است. (برای مثال ر.ک. مامقانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۳۵).

۲ دمینی عرضه حدیث بر قرآن را به عنوان اولین ملاک برای شناخت صحت حدیث معرفی می‌کند. وی از جمله ملاک‌های محدثان را در نقد حدیث، تأمل در متن حدیث دانسته و معتقد است که در صورت مخالفت متن با قرآن، اگر امکان جمع بین آن‌ها نباشد (مانند شناخت متأخر و حکم به نسخ) حدیث کنار گذاشته می‌شود و به ضعف آن حکم می‌شود. (ر.ک: دمینی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۷)؛ آقای سبحانی نیز این ملاک را اولین معیار برای تشخیص صحت و سقم حدیث عنوان می‌کند که حتی در صورت صحت سند، اعتبار آن را زیر سؤال می‌برد. وی معتقد است حدیث مخالف با قرآن را باید به سینه‌ی دیوار کوید، البته ایشان به احتمال نسخ نیز توجه دارد؛ ولی موارد آن را محدود تلقی می‌کند. (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۵۴).

کتابنامه

- ادلبی، صلاح الدین بن احمد (۱۴۰۳)، *منهج التقد عند علماء الحدیث النبوی*، بیروت: دار الافاق الجدیده.
- اردبیلی، غروی حائری محمد (۱۴۰۳)، *جامع الرواه و إزاحه الإشتباهات عن الطریق و الإسناد*، بیروت: دار الأضواء.
- امین، سید محسن (۱۴۲۰)، *أعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ پنجم.
- بروجردی، سید حسین (۱۴۱۰)، *نهایه الاصول*، قم: تفکر.
- حلی، ابن داود حسن بن علی (۱۳۹۲)، *الرجال*، نجف: مطبعه حیدریه.
- خراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۴)، *کفایه الاصول*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ هفتم.
- خمینی، موسوی روح الله (۱۳۷۷)، *التعادل و الترجیح*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۱)، *محاضرات فی اصول الفقه*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- دمینی، مسفر عزم الله (۱۴۰۴)، *مقایس نقد متون السنه*، الرياض: بی نا.

- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۹)، الأعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهاردهم.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۹)، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرّایه، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
- سلیمانی، داود (۱۳۸۵)، فقه الحدیث و نقد الحدیث (روش شناسی نقد و فهم سنت)، تهران: فرهنگ و دانش.
- شوشتری، سید نور الله (۱۳۷۵)، مجالس المؤمنین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- شهید ثانی، زین الدّین بن علی بن احمد (۱۴۰۸)، الرّعیه فی علم الدرّایه، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
- شیخ بهایی، محمد بهاء الدّین (۱۳۹۶)، الوجیزه فی علم الدرّایه، قم: منشورات المکتبه الإسلامیه الکبری.
- صالح، صبحی (۱۹۵۹)، علوم الحدیث و مصطلحه، بیروت: دار العلم، چاپ هفدهم.
- طباطبایی، بحر العلوم محمد مهدی (۱۳۸۵)، الرجال (معروف به الفوائد الرجالیه)، نجف: مطبعه الآداب.
- طحان، محمود (۱۴۲۴)، تیسیر مصطلح الحدیث، زاهدان: دار الفاروق الاعظم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۵)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- (۱۳۷۶)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- (۱۴۰۳)، عمّه الاصول، قم: مؤسسه آل البيت.
- (۱۳۶۱)، الفهرست، قم: منشورات رضی.
- طهرانی، آقابزرگ (۱۳۶۰)، الدرّیعه الی تصانیف الشّیعه، تهران: المکتبه الإسلامیه، چاپ دوم.
- قطیفی، السید منیر السید عدنان (۱۴۱۴)، الرافد فی علم الاصول (تقریرات السید علی الحسینی السیستانی)، قم: مکتبه آیت الله العظمی السید السیستانی.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱)، مقباس الهدایه فی علم الدرّایه، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحیاء التّراث.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- مدرس، تبریزی محمد علی (۱۳۴۹)، ریحانه الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب، تهران: چاپخانه علمی.

- مدیر شانه چی، کاظم (بی تا)، *درایه الحدیث*، قم: انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۶۸)، *اصول الفقه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
- معروف الحسنی، هاشم (بی تا)، *دراسات فی الحدیث و المحادثون*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- معماری، داود (۱۳۸۴)، *مبانی و روش های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه*، قم: بوستان کتاب.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۰۸)، *علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید*، بیروت: دار الجواد، چاپ سوم.
- موسوی خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۲)، *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، قم: مکتبه اسماعیلیان.
- نفیس، شادی (۱۳۸۴)، *علامه طباطبایی و حدیث (روش شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هاشمی، محمود (۱۴۰۵)، *تعارض الأدله الشرعیة (تقریرات درس آیت الله صدر)*، بی جا: المجمع العلمی للشهید الصدر، چاپ چهارم.